

تاریخ تحلیلی مالکیت تلویزیون در ایران، با تأکید بر اسناد

نوشتۀ

محمدصادق نصراللهی *

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۰۶

چکیده

این پژوهش، با توجه به دیدگاه " لزوم تحلیل تاریخی مسائل فرهنگی و ارتباطی جهت سیاستگذاری"، موضوع انحصارگرایی در مالکیت تلویزیون ایران را مورد کنکاش قرار داده است. بر اساس این دیدگاه، وجود چنین مسئله‌ای محصول یک میراث تاریخی و انباشت زمانی عمیق و ریشه‌دار است. این تحقیق، با روش تحلیل تاریخی، به دنبال پاسخگویی به سه سؤال است: ۱. نظام مالکیت تلویزیون در ایران، بر اساس اسناد و وقایع تاریخی، چه سیر تحولی را طی کرده است؟ ۲. آیا مالکیت تلویزیون از بدو تأسیس تا به امروز، همواره انحصاری بوده است؟ ۳. با وقوع انقلاب اسلامی، نظام مالکیت تلویزیون تا چه میزان دستخوش تغییر شده است؟ یافته‌ها نشان می‌دهد که خط سیر مالکیت انحصاری تلویزیون، ممتد، عمیق و مستمر بوده است. با وقوع انقلاب اسلامی، اگرچه روح حاکم بر اصل ۴۴ که تعیین‌کننده نوع مالکیت تلویزیون است، به استناد صورت مشروح مذاکرات مجلس خبرگان رهبری، انحصارزدایی از تلویزیون است، اما در عمل تا سال‌های اخیر، معنای انحصار از آن اخذ شده و خط ممتد انحصار مالکیتی بعد از انقلاب نیز ادامه یافته است. در سال‌های اخیر، ابلاغیه رهبری انقلاب، در خصوص سیاست‌های اصل ۴۴، علی‌رغم پشتوانه تاریخی، ظرفیت جدیدی برای انحصارزدایی از تلویزیون، به حساب می‌آید.

کلیدواژه: تلویزیون، تاریخ تلویزیون ایران، سازمان صداوسیما، حقوق ارتباطات، سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران، انحصار مالکیتی.

مقدمه

تلویزیون، چه در عرصهٔ مباحث آکادمیک و چه در عرصهٔ جریان واقعی زندگی، رسانه‌ای مهم و تأثیرگذار تلقی می‌شود. همین جایگاه، مقولهٔ مالکیت آن را در هر جامعه‌ای، حساس و پرچالش می‌کند. چه کنشگران سیاسی، چه فعالان فرهنگی، چه دست‌اندرکاران اقتصادی و ... همه‌وهمه، به تلویزیون به سان ابزاری مؤثر، جهت نشر افکار و باورها و تأثیر بر افکار عمومی نگاه می‌کنند و همواره درصدد تأسیس تلویزیون و ادارهٔ آن بوده‌اند.

در تاریخ پرفراز و نشیب ایران نیز، مانند هر جای دیگر، این تقاضا برای تأسیس و ادارهٔ تلویزیون از بدو ظهور آن، همواره توسط افراد مختلف وجود داشته است؛ به طوری که آن را به مسئله‌ای پراضطکاک و چالش برانگیز تبدیل کرده است. از یک طرف، حاکمیت‌ها طرفدار انحصار و از طرف دیگر، فعالان در عرصه‌های مختلف، درصدد استفاده از تلویزیون بوده‌اند و این کش و قوس تا به امروز هم ادامه دارد.

این مقاله، با هدف بررسی تاریخی نظام مالکیت تلویزیون در ایران نگاشته شده و تلاش می‌کند، نخست تبار این موضوع و سپس نوع تأثیری را که انقلاب اسلامی بر آن گذاشته است، مورد کنکاش قرار دهد. در همین راستا، ابتدا مسئلهٔ تحقیق و روش پاسخگویی به آن تبیین و معرفی شده است. سپس در بخش "مفهوم‌شناسی"، معنای "انحصار مالکیتی"، تبیین شده؛ پس از آن در بخش اصلی تحقیق، یعنی مطالعهٔ تاریخی مالکیت تلویزیون، به توصیف و تحلیل وقایع و اسناد تاریخی و قانونی مرتبط با آن پرداخته شده است، به طوری که در یک بخش‌بندی کلی، تاریخ تلویزیون را به دو بخش "پیش از انقلاب" و "پس از انقلاب" تقسیم‌بندی کرده‌ایم. در نهایت نیز در مقام نتیجه‌گیری، تلاش شده است به سؤال‌های مطرح در پژوهش پاسخ مصرح داده شود.

تبیین مسئله

جرقهٔ اولیهٔ انتخاب موضوع مورد بحث در این مقاله، در ذهن نگارنده، برمی‌گردد به یک ایدهٔ محوری در یکی از دروس دکتری که بارها، توسط استاد آن درس مورد تأکید قرار می‌گرفت. زمانی که پیرامون مسائل و سیاست‌ها در ایران موضوع‌های مختلف را بررسی می‌کردیم، همواره استاد بر این نکته تأکید داشت که: «اتخاذ رویکرد تاریخی، در تحلیل مسائل و سیاست‌های عمومی جایگاهی عمیق و اساسی دارد.» بر اساس این نگاه، مسائل و سیاست‌هایی که امروز، جمهوری اسلامی ایران با آن مواجه است، دارای عقبه‌ای تاریخی است. مطالعهٔ در زمانی مسائل

و سیاست‌های فرهنگی و ارتباطی، این فرصت را به سیاستگذاران می‌دهد، ضمن درک عمیق و کلان یک مسئله، راه‌حل‌های مفید، مناسب و دقیقی را برای حل مسائل تدوین، اجرا و ارزیابی کنند. بر اساس همین رویکرد تاریخی، نگارنده به سراغ مسئله مهم تلویزیون در ایران رفت؛ مسئله‌ای تحت عنوان "انحصار مالکیتی" در تلویزیون ایران. مسئله انحصارگرایی در تأسیس تلویزیون، همواره مسئله‌ای چالش‌برانگیز، در عرصه علمی و اجرایی کشور بوده و هست؛ به طوری که تا به امروز، مورد مناقشه و مباحثه جدی موافقان و مخالفان آن بوده است. چه فراوان اندیشمندان فرهنگی و ارتباطی که در باب مزایا و معایب خصوصی‌سازی در تلویزیون و انحصارزدایی از آن، سخن رانده‌اند و چه بسیار تلاش‌ها و فعالیت‌هایی که توسط فعالان و مسئولان سیاسی، فرهنگی و دینی جهت تأسیس یا ممانعت از تأسیس تلویزیون خصوصی صورت گرفته که کماکان ادامه دارد.

مسئله اصلی این مقاله آن است که بر اساس این رویکرد تاریخی، نظام مالکیت تلویزیون، در سیر زمانی خویش از بدو تأسیس این رسانه در ایران تا به امروز، چه فراز و نشیب‌ها و چه واقعیت‌هایی را تجربه کرده است؟ به بیان دیگر، این مقوله، دارای چه انباشت تاریخی‌ای است؟ در یک سطح جزئی‌تر، این سؤال مطرح است که آیا در مطالعه تاریخی تلویزیون، می‌توان نشان داد که انحصار، ویژگی و خصیلتی است که همواره همراه مالکیت این رسانه بوده است؟ یا اینکه، آیا می‌توان گفت که این مقوله در تلویزیون دارای چنان پشتوانه عمیق و گسترده تاریخی است، که اگر ادعا نکنیم اجتناب و کنارگذاشتن آن محال است، حداقل می‌توانیم بگوییم سخت و مشکل است؟ باز در سطحی نازل‌تر، این سؤال بسیار مهم مطرح است که وقوع انقلاب اسلامی، به عنوان یک رمز تاریخی جدی و تحول‌برانگیز در تاریخ فرهنگی و ارتباطی، تا چه میزان نظام مالکیت را در تلویزیون دستخوش تغییر و تحول قرار داده است؟ اگر انحصار را، میراث تاریخی مالکیت تلویزیون بدانیم، انقلاب اسلامی تا چه میزان بر این میراث و انباشت قدرتمند غلبه کرده است؟

بنابراین، به طور خلاصه می‌توان گفت در این مقاله، سه سؤال مطرح است:

۱. سیر تاریخی نظام مالکیت تلویزیون در ایران چگونه است؟
۲. آیا مالکیت تلویزیون در ایران همواره انحصاری بوده است؟
۳. آیا انقلاب اسلامی در نظام مالکیت تلویزیون، به‌ویژه از جهت انحصارزدایی، تحول ایجاد کرده است؟

روش تحقیق

روش تحقیق این مقاله، کتابخانه‌ای است و از سنخ مطالعه‌ها و پژوهش‌های تاریخی و اسنادی است. اطلاعات جمع‌آوری شده بر دو قسم است: ۱. رویدادها؛ ۲. اسناد حقوقی. این مقاله، تمرکز بیشتر خود را بر اسناد حقوقی، به دلیل اتقان و استنادپذیری بیشتر آن قرار داده است.

مفهوم‌شناسی

در ابتدای این تحقیق، اصطلاح "انحصار مالکیتی" را، که اصلی‌ترین اصطلاح این مقاله است، مورد مذاقه و تبیین قرار می‌دهیم تا مشخص شود که به طور روشن، درصدد مطالعه تاریخی چه چیزی در تلویزیون ایران هستیم.

انحصار مالکیتی

این واژه از دو لفظ "انحصار" و "مالکیت" تشکیل شده است. در تعریف واژه انحصار، که یک واژه اقتصادی است، بر مقوله واحد بودن، منحصر بودن و یگانه بودن، در حوزه عرضه و فروش کالا و ارائه خدمت تأکید شده است.

هرگاه تمام عرضه یک کالا یا محصول زیر کنترل واحد باشد؛ به طوری که عرضه به ترتیبی صورت گیرد که باثمرترین قیمت را برای عرضه‌کننده تأمین نماید. چنین حالت را در بازار انحصار گویند (فرهنگ، ۱۳۶۹: ۷۷۱).

همچنین در تعریف آن آمده است: «مراد از انحصار، موقعیت کنترل بازار است، به سبب اینکه تجارت کالایی خاص منحصراً در اختیار یک فروشنده باشد» (گولد و کولب، ۱۳۸۴: ۱۰۶). طبیعی است که فضای داد و ستد، در چنین حالتی رقابتی نخواهد بود. چنانچه بیرو می‌نویسد: زمانی که یک واحد صنعتی یا تجاری تنها فروشنده یک کالا و ارائه‌کننده منحصربه‌فرد یک خدمت باشد، حائز انحصار خواهد بود. زمانی که این واحد به طور کامل عرضه را بدون هیچ رقابت ممکن و در برابر تقاضایی بی‌سامان و پراکنده، در اختیار داشته باشد، انحصار را کامل می‌خوانند (بیرو، ۱۳۶۷: ۲۳۲).

انحصار در چنین موقعیتی، قدرت کنترل بازار و اختیار تعیین قیمت را به عرضه‌کننده محصول یا خدمت می‌دهد: «وقتی انحصار وجود داشته باشد یک فروشنده یا تولیدکننده می‌تواند تمامی بازار را تحت کنترل خود داشته باشد. برای محصول وی هیچ جانشین و رقیبی وجود ندارد. او تمامی عرضه را در دست دارد و قیمت را مشخص می‌کند» (توانایان فرد، ۱۳۸۵: ۶۹۵). این

1. Monopoly
2. Ownership

قدرت نیز، سبب می‌شود که عرضه‌کننده، همواره سود بیشتر را مطالبه کند. برای بازار انحصاری ویژگی‌هایی ذکر شده است:

اولاً، انگیزه اصلی مشارکت بنگاه در تولید، سود است. ثانیاً، به علت وجود موانع گوناگون، تولیدکننده دیگری در بازار وجود ندارد و تولید یک محصول مشخص در انحصار یک تولیدکننده انحصاری است. ثالثاً، تنها فعالیت‌های تولیدکننده بر قیمت و مقدار تولید در بازار تأثیر دارد (قره‌باغیان، ۱۳۷۲: ۵۴۰).

منظور این مقاله از "انحصار مالکیتی در تلویزیون"، آن است که "عرضه محصولات صوتی و تصویری از طریق امواج الکترومغناطیس، به شکلی فراگیر در قالب تلویزیون در انحصار یک مؤسسه و سازمان" باشد. به بیان دیگر، امتیاز تأسیس فرستنده رادیویی و تلویزیونی مختص به یک مالک باشد. بر همین اساس، از تأسیس و مالکیت دیگران بر ابزار انتشار ممانعت به عمل آید. نکته حائز اهمیت، غلبه دولتی بودن در انحصار مالکیتی است؛ به بیان دیگر، معمولاً مالکیت، انحصار در دولت دارد و دولت تنها مالک فرستنده‌ها است.

مطالعه تاریخی مالکیت تلویزیون در ایران

تا به امروز، در اسناد، کتاب‌ها، مقاله‌ها و یادداشت‌های گوناگون، پیرامون تاریخچه تأسیس و توسعه تلویزیون سخن به میان آمده است. این مقاله، بر آن نیست که آن مطالب را تکرار کند، بلکه تلاش می‌کند، به شکلی هدفمند و گزینشگرانه، آن دسته از وقایع و استنادها که ناظر به سیر تاریخی مالکیت تلویزیون است، به‌ویژه از منظر انحصار یا عدم انحصار، مورد تحلیل قرار دهد. بنابراین مقوله مالکیت، مسئله اصلی ما در مراجعه به تاریخ کلی تلویزیون است.

در این مطالعه، تلاش شده است که وقایع و رویدادهای مرتبط، بر اساس ترتیب زمانی وقوع مورد بحث قرار گیرند. طبیعی است که در بخش‌بندی کلی مطالعه تاریخی، انقلاب اسلامی، به دلیل نقش بی‌بدیل در تاریخ معاصر ایران از حیث تحول در تمام عرصه‌ها، معیار تقسیم قرار گیرد؛ لذا تاریخ تلویزیون، به پیش از انقلاب و پس از انقلاب تقسیم شده است.

الف. تلویزیون؛ پیش از انقلاب اسلامی

۱. تأسیس اولین تلویزیون

برخلاف رویه کاملاً دولتی رادیو، تولد تلویزیون در ایران توسط بخش خصوصی تحقق یافت. «در سال ۱۳۳۵ هیئت دولت، با نصب اولین فرستنده تلویزیونی به پیشنهاد شرکت ثابت پاسال موافقت کرد.» (الموتی، ۱۳۷۲، ج ۱۵: ۱۰۹) ثابت پاسال با این موافقت، «نخستین کانال پخش

برنامه‌های تلویزیونی را ابتدا در آبادان و سپس در تهران به راه انداخت.» (دلد، ۱۳۸۰: ۱۳۷۴).

سازگار دربارهٔ تأسیس اولین تلویزیون در ایران می‌نویسد:

درست در زمانی که دولت خود، سرگرم تدارک زمینه و طرحی برای ایجاد تلویزیون بود، از جانب بخش خصوصی، حبیب‌الله ثابت پیشنهاد تأسیس یک ایستگاه فرستندهٔ تلویزیونی را تقدیم دولت کرد. مجلس شورای ملی، در تیرماه ۱۳۳۷، ماده‌ای با چهار تبصره را به تصویب رساند که بر اساس آن به دولت اجازه داده می‌شد یک فرستندهٔ تلویزیونی و کلیهٔ ابزار فنی آن را، به تشخیص وزارت پست و تلگراف و تلفن، در تهران به کار اندازد و تا پنج سال نیز از پرداخت مالیات معاف باشد. البته لازم بود که کلیهٔ برنامه‌های این فرستنده تابع مقررات اداره کل انتشارات باشد. با چنین امکاناتی، نخستین فرستندهٔ تلویزیونی ایران، در ساعت پنج بعدازظهر جمعه یازدهم مهرماه ۱۳۳۷، با پیام شاه ایران پخش نخستین برنامهٔ خود را آغاز کرد. این فرستندهٔ تلویزیونی در ابتدا، هر روز از شش بعدازظهر تا ساعت ۱۰ بعدازظهر برنامه پخش می‌کرد (سازگار، ۱۳۵۶: ۳۲).

مصوبهٔ مذکور مجلس شورای ملی بدین شرح است:

ماده واحده - دولت مجاز است یک دستگاه فرستنده (تلویزیون) و کلیه لوازم آن را (به تشخیص وزارت پست و تلگراف و تلفن) که در تهران نصب و به کار می‌افتد از پرداخت حقوق و عوارض گمرکی معاف و از تاریخ شروع به کار تا پنج سال از پرداخت مالیات معاف نماید.

تبصره ۱- دستگاه مزبور از نظر رعایت اصول فنی تابع دستور وزارت پست و تلگراف و تلفن بوده و از نظر تنظیم و اجرای برنامه‌ها مطیع مقررات و دستور اداره کل انتشارات و رادیو خواهد بود.

تبصره ۲- معافیت مذکور از حقوق گمرکی فقط محدود است به صورت لوازمی که وزارت پست و تلگراف تشخیص می‌دهد و دستگاه‌های گیرنده تلویزیون مشمول این معافیت نبوده و از نظر پرداخت حقوق و عوارض گمرکی در حکم دستگاه‌های رادیو خواهد بود.

تبصره ۳- مشخصات فنی این دستگاه تلویزیون را دولت ظرف پانزده روز از تاریخ تصویب این قانون برای اطلاع عموم اعلام خواهد کرد.

تبصره ۴- وزارتخانه‌های پست و تلگراف - تلفن، دارایی و گمرکات - انحصارات مأمور اجرای این قانون می‌باشند.

قانون فوق که مشتمل بر ماده واحده و چهار تبصره است، پس از اظهار ملاحظات مجلس سنا در جلسه یکشنبه بیست و نهم تیرماه یک هزار و سیصد و سی و هفت به تصویب مجلس شورای ملی رسید. (مجموعه قوانین و مصوبات دوره نوزدهم قانونگذاری مجلس شورای ملی، ۱۳۳۷: ۳۵۶ و ۳۵۷).

از این مصوبه چند نکته قابل استنباط است:

- در این مصوبه، اشاره‌ای به بخش خصوصی نشده است و مورد خطاب آن، خود دولت است. به بیان دیگر، در اینجا نیز سایه دولت سنگینی می‌کند و احالهٔ تأسیس به بخش خصوصی توسط دولت، به صورت یک امر درون‌سازمانی صورت گرفته که دولت مجاز است بخش خصوصی فعال را از پرداخت عوارض گمرکی معاف کند.

• تفکیک سازمانی، بین امور فنی و محتوایی، در مورد اولین تلویزیون ایران، مانند رادیو جاری است. بر اساس تبصره یک این مصوبه، مسئولیت امور فنی به عهده وزارت پست و تلگراف و تلفن و مسئولیت امور محتوایی و برنامه‌ها، در اختیار اداره کل انتشارات و رادیو است. تلویزیون، روز جمعه یازدهم مهرماه ۱۳۳۷ افتتاح شد. در آن روز، طبق برنامه، قرار بود مراسم افتتاح نخستین فرستنده تلویزیون از ساعت ۵ بعدازظهر آغاز شود. نمایندگان مطبوعات، یکی دو ساعت زودتر در محل افتتاح حاضر شده بودند تا چیزی از چشمانشان دور نماند. مراسم، طبق وعده از ساعت ۵ آغاز شد. پخش پیام محمدرضاشاه که از کاخ اختصاصی‌اش قرائت شد، به اضافه پخش فیلم مسافرت او به ژاپن، قرائت پیام نخست‌وزیر و صحبت‌های وزیر پست و تلگراف و حبیب‌الله ثابت و پسرش ایرج (مدیرعامل تلویزیون) و پخش چند برنامه نمایشی و موسیقایی از دیگر برنامه‌های روز افتتاح تلویزیون بود.

سؤال مهم در اینجا آن است که آیا تأسیس اولین فرستنده تلویزیونی توسط حبیب‌الله ثابت پاسال، به معنای اعتماد دولت به بخش خصوصی در حوزه تبلیغات و انحصارزدایی در مالکیت تلویزیون بود؟ این رفتار به ظاهر برون‌سپارانه حاکمیت و دولت، به‌ویژه با توجه به رویه او در حوزه رادیو و همچنین سطح بالای روابط ثابت پاسال با دربار، خدشه‌پذیر است. به بیان دیگر، می‌دانیم که رادیو چه در تأسیس و چه در گسترش، ماهیتی کاملاً دولتی داشت، چه اتفاقی افتاد که اولین تلویزیون ایران که صد البته، با توجه به قابلیت‌های مضاعف آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، به صورت خصوصی تأسیس شد؟ در پاسخ به این سؤال چند نکته قابل بیان است:

• جایگاه ویژه حبیب‌الله ثابت پاسال، در اقتصاد ایران و همچنین رابطه محکم و تنگاتنگ او با دربار، یکی از مهمترین عوامل و زمینه‌هایی بود که حاکمیت را نسبت به موافقت با پیشنهاد او، برای راه‌اندازی اولین فرستنده تلویزیونی متقاعد کرد. در باب موقعیت اقتصادی، گفته شده که در دوران سلطنت محمدرضا پهلوی (۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ ش.)، وی یکی از بزرگ‌ترین سرمایه‌داران ایران شد، چنانکه برخی او را بزرگ‌ترین سرمایه‌دار ایران، بعد از شاه، با مالکیت ده درصد همه چیز ایران می‌دانستند. (دلدم، ۱۳۷۷: ۱۳۰۷؛ دانکن، ۱۳۵۸: ۸۴). برخی از شرکت‌ها و مؤسسه‌هایی که وی مالک آن‌ها بود یا در آن‌ها سهام داشت، عبارت‌اند از: بانک ایران و خاورمیانه، بانک صنعتی ایران، بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران، بانک توسعه و سرمایه‌گذاری ایران، شرکت سرمایه‌گذاری ملی ایران، بانک گسترش آذربایجان، بانک

ایران شهر، بانک صنایع ایران، مؤسسات تولیدی و تجاری پیسی کولا، سیمان مشهد، پلاسکوکار، جنرال تایر و رابر، ایران فارواگ، سیکاب و فرانس پیک (رواسانی، بی تا: ۱۸۱-۱۸۴ و ۲۶۴-۲۶۸؛ دانکن، ۱۳۵۸: ۸۴). همچنین نمایندگی خودرو دوج، چند نوع تلویزیون و یخچال، کارخانه های بزرگ لاستیک سازی گودریچ و چندین کارخانه قند را داشت (دلدم، ۱۳۸۰: ۱۳۷۳). وی صاحب ۴۱ شرکت بازرگانی بود که حدود ده هزار نفر در آن ها کار می کردند.

همچنین، در باب ارتباط او با دربار، می توان گفت که ثابت در طول زندگی خود، به ویژه از ۱۳۳۲ ش. به بعد، با خاندان پهلوی از جمله شمس و اشرف، دو خواهر محمدرضا شاه و شخص شاه و شخصیت های مهم سیاسی ایران، از جمله عبدالکریم ایادی، پزشک مخصوص دربار و منسوب به بهائیت، مناسبات دوستانه ای داشت، همین امر زمینه رشد سریع او را فراهم کرد (الموتی، ۱۳۶۸: ۳۱۱) و سبب شد منابع سرمایه گذاری او، به بهترین نحو تأمین شود. وزارت اقتصاد نیز، به دستور دربار، تسهیلات گسترده ای در اختیار ثابت قرار داد. ثابت پاسال، با نخست وزیران وقت، از جمله حسین علاء و امیرعباس هویدا، نیز مناسبات دوستانه داشت و بنا بر بعضی شواهد، آنان در برخی از شرکت های ثابت سهام داشتند (الموتی، ۱۳۷۰: ۳۴، ۱۳۶۷: ۹۷؛ صفائی، ۱۳۵۱: ۲۸۱-۲۸۲). وی همچنین، به شاه و شخصیت های سیاسی و غیرسیاسی کمک های مالی زیادی می کرد، به ویژه در برگزاری جشن های ۲۵۰۰ ساله، تأمین کننده اصلی هزینه ها بود (افراسیابی، ۱۳۶۸: ۷۲۹).^۱

بنابراین، اجازه تأسیس تلویزیون به ثابت پاسال، بیش از آنکه خصوصی سازی باشد، اختصاصی سازی بود و اگر کسی غیر از او چنین درخواستی می کرد، به احتمال قوی مورد موافقت قرار نمی گرفت. به بیان دیگر، در این مقطع، مالکیت کاملاً انحصاری است؛ اما این مالکیت، بر خلاف رویه های گذشته، خصوصی است و نه دولتی؛ و این، پدیده جدیدی است که در این واقعه مشاهده می شود.

• ماهیت غالب برنامه های تلویزیون ایران، سرگرم کننده است، به طوری که سازگار در بیان علت تأسیس تلویزیون ملی می نویسد:

مأموریت تلویزیون، از دیدگاه دولت ایران مأموریتی ملی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی و در مجموع بسیار عمیق تر از آن بود که در قالب برنامه های سرگرم کننده از تلویزیون ایران پخش می شد. از سویی، در توجیه

۱. این بند برگرفته از (شمسینی غیاثوند). البته منابع به کار گرفته شده، توسط نگارنده رؤیت و صحت آن تأیید می شود.

کار تلویزیون ایران، به عنوان یک بخش خصوصی، این واقعیت وجود داشت که این سازمان، به درآمد خویش از آگهی‌ها متکی بود و به ناچار برای جلب تماشاگر بیشتر و جذب آگهی افزون‌تر، می‌بایست روی به برنامه‌های سبک‌تر و عامه‌پسندتر داشته باشد (سازگار، ۱۳۵۶: ۳۲).

بنابراین، برنامه‌های سیاسی - اجتماعی، حجم اندکی از برنامه‌های تلویزیون ایران را به خود اختصاص می‌داد. در ضمن، همان حجم اندک را نیز، دولت در وزارت اطلاعات، که سابقاً اداره نشریات و تبلیغات بود، تهیه می‌کرد. ثابت پاسال، در نامه‌ای که به محفل روحانی ملی بهائیان ایران می‌نویسد، به‌خوبی به این نکته اشاره دارد:

براساس همین ماده مصوبه، اولیاء دولت گذشته از اخبار ایران و جهان که همه‌روزه توسط خبرگزاری پارس تنظیم می‌شود؛ گاه‌گاه اجرای بعضی از برنامه‌های مصاحبه را به وسیله وزارت اطلاعات که سابقاً اداره کل انتشارات و تبلیغات نامیده می‌شد در برنامه‌ها منظور می‌کنند و تلویزیون ایران از نظر مقررات مملکتی مجبور به اجرای برنامه‌های مزبور می‌باشد. این قبیل برنامه‌ها، حداکثر بیش از پنج درصد کل برنامه‌های تلویزیون ایران نیست و بقیه برنامه‌ها، به‌وسیله یک شورای داخلی، مرکب از مدیران برنامه‌های تلویزیون ایران، تهیه و تنظیم و به مرحله اجرا گذاشته می‌شود. این برنامه‌ها شامل قسمت‌های اخلاقی - اجتماعی - فرهنگی - تاریخی - تعلیم و تربیت، علوم و مسائلی از این قبیل است.

• عمر کوتاه تلویزیون خصوصی ایران، نشان می‌دهد که دولت ایران، همین میزان برون‌سپاری اندک را نیز تاب نیاورد. در زمان نخست‌وزیری منوچهر اقبال، دولت تصمیم گرفت امتیاز پخش را از ثابت بخرد، اما به سبب اختلافات مالی و دخالت دربار عملی نشد. اما در ۱۳۴۸، در دوره نخست‌وزیری هویدا، شبکه تلویزیونی متعلق به ثابت در اختیار تلویزیون ملی قرار گرفته شد (الموتی، ۱۳۷۰: ۳۴ - ۳۶؛ ۱۳۷۲: ۱۳۷؛ دانکن، ۱۳۵۸: ۸۴).

۲. تأسیس سازمان تلویزیون ملی ایران

دولت ایران همواره مترصد تأسیس تلویزیون ملی در ایران بوده است. سازگار با توجه به ماهیت سرگرم‌کننده تلویزیون خصوصی ایران می‌نویسد:

تضاد مصلحت‌ها، دولت ایران را به فکر جدی تأسیس یک مؤسسه تلویزیونی انداخت. کاملاً روشن شده بود که تلویزیون می‌تواند ابزار نشر فرهنگ، سیاست، علم، هنر باشد. مأموریت‌های دولت، در زمینه‌های گوناگون و سیاست حاکم در ایران شکل گرفته و روشن شده بود که برای پیشروی، نیاز به توجه دادن عموم به مسائل گوناگون و جلب مشارکت و همکاری مردم در کارهاست. تلویزیون، بی‌تردید می‌توانست ابزار مؤثری در راه تأمین این هدف باشد (سازگار، ۱۳۵۶: ۳۲).

به درخواست دولت، سال ۱۳۴۳، یک گروه فرانسوی از جانب سازمان برنامه و بودجه، مأمور بررسی و طراحی یک مرکز تلویزیونی شد. پس از تصویب طرح، در مدت چهار ماه، بنای کوچکی ساخته شد و

با امکاناتی ساده، پخش برنامه‌های آزمایشی را در سال ۱۳۴۵ آغاز کرد. ... گشایش رسمی این سازمان، در ۲۹ اسفند همان سال، با حضور شاه و فرح انجام گرفت.



شکل ۱. افتتاح سازمان تلویزیون ملی ایران توسط شاه و فرح، سال ۱۳۴۵ (سازگار، ۱۳۵۶: ۴۴).

در تاریخ ششم تیرماه سال ۱۳۴۶، مجلس شورای ملی، لایحه دولت درباره تشکیل سازمان تلویزیون ملی ایران را، که قبلاً به تصویب مجلس شورای ملی رسیده و مجلس سنا در آن اصلاحاتی کرده بود، دوباره مورد شور قرار داد و به شرح زیر به تصویب نهایی رساند:

ماده واحده: برای تهیه و اجرای برنامه‌ها و بهره‌برداری و اداره سایر امور تلویزیون ملی ایران در کشور، سازمانی به نام سازمان تلویزیون ملی ایران، وابسته به وزارت اطلاعات تشکیل می‌شود. سازمان تلویزیون ملی ایران، دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی است و طبق اصول بازرگانی اداره می‌شود و مشمول مقررات قانون محاسبات عمومی و آیین‌نامه‌های معاملات دولتی نبوده و تابع اساسنامه و آیین‌نامه‌هایی خواهد بود که طبق بند ۴ این قانون وضع می‌شود... (مجموعه قوانین و مصوبات دوره ۲۱ قانونگذاری مجلس شورای ملی، ۱۳۴۶: ۵۱۸۳)

همان‌طور که پیش از این گفتیم، عمر تلویزیون خصوصی در ایران بسیار کوتاه بود و تنها دوره‌ای ۱۱ ساله (۱۳۳۷ تا ۱۳۴۸) را تجربه کرد. در سال ۱۳۴۸ دولت، تلویزیون ایران متعلق به ثابت پاسال را خریداری کرد و «پس از پیوستن این تلویزیون به سازمان تلویزیون ملی ایران،

پخش دو برنامه تلویزیونی از دو کانال مختلف ادامه یافت، منتها برنامه‌های جاری تلویزیون ملی، برنامه اول نام گرفت و برنامه‌هایی که از فرستنده تلویزیون ایران سابق پخش می‌شد، برنامه دوم» (سازگار، ۱۳۵۶: ۳۷).

در یک جمع‌بندی از این بخش، می‌توان گفت که اگرچه پیدایش تلویزیون، در ظاهر هم که شده، در قالب بخش خصوصی تحقق یافت که آن هم اختصاصی و انحصاری بود، اما به‌سرعت، حاکمیت و دولت، خود را در عرصه تلویزیون سازماندهی کرد؛ به طوری که بعد از حدود یک‌دهه از تأسیس تلویزیون خصوصی، دیگر اثری از تلویزیون خصوصی را در ایران شاهد نیستیم و نوعی انحصار دولتی بر مالکیت تلویزیون حاکم می‌شود.

۳. تأسیس سازمان رادیو و تلویزیون ملی ایران

ایران، سال ۱۳۵۰ رخداد دیگری را در عرصه رادیو و تلویزیون تجربه می‌کند. در این سال، شاهد تحقق وحدت ساختاری این دو رسانه هستیم که تا پیش از این، هر یک مسیر رشد ساختاری جداگانه خود را داشت. در ۱۳۵۰/۳/۲۳ قانونی تحت عنوان "قانون تشکیل سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران" در مجلس شورای ملی به تصویب رسید که بر اساس آن «به منظور تمرکز امور مربوط به تأسیس و اداره و بهره‌برداری از مراکز رادیو تلویزیونی و همچنین تهیه و پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، سازمانی به نام سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران ... تشکیل می‌گردد.» (مجموعه قوانین و مصوبات دوره ۲۲ قانونگذاری مجلس شورای ملی، ۱۳۵۰: ۶۵۶۱). در ماده ۲ این قانون چنین آمده است: «تأسیس فرستنده‌ها و پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی در سراسر کشور در انحصار این سازمان خواهد بود.» طبق این ماده، مالکیت رادیو و تلویزیون، منحصراً در اختیار این سازمان و همچنین مدیریت نیز متمرکز در آن است. البته در تبصره این ماده، به این سازمان اجازه داده است که پخش محلی و محدود صدا و تصویر را، با تصویب هیئت وزیران، به مؤسسه‌های دیگر اعطا کند.

از آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که تصویب قانون "تشکیل سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران" را، به تعبیری می‌توان تیر خلاص "انحصار مالکیت خصوصی" در حوزه تلویزیون ایران، پیش از انقلاب دانست. به طوری که در مقدمه قانون به‌صراحت، هدف از تدوین و تصویب آن را "تمرکز امور مربوط به تأسیس و اداره و بهره‌برداری از مراکز رادیو تلویزیونی و همچنین تهیه و پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی" می‌داند. طبق مواد مختلف این قانون نیز، ساختار این سازمان کاملاً حاکمیتی و دولتی دیده شده بود. مجمع عمومی، که رأس اصلی

هرم است، متشکل از سه وزیر دولتی است. شورای عالی، متشکل از چند وزیر بوده و حتی آنجا که از پنج نفر از نخبگان فرهنگی، علمی و اجتماعی سخن به میان آمده است، اختیار تام در انتخاب با مجمع عمومی کاملاً دولتی و انتصاب شاه است. مدیرعامل و بازرس را، نیز مجمع عمومی انتخاب می‌کند. در یک جمع‌بندی کلی از بخش مربوط به تلویزیون، قبل از انقلاب، می‌توان جدول ۱ را ارائه کرد:

جدول ۱. نوع مالکیت و مدیریت تلویزیون؛ قبل از انقلاب

نوع مالکیت یا مدیریت	تاریخ وقوع	رویداد
مالکیت منحصر خصوصی	۱۳۳۷	تأسیس اولین تلویزیون به نام " تلویزیون ایران " وابسته به ثابت پاسال
مالکیت منحصر دولتی	۱۳۴۶	قانون تشکیل سازمان تلویزیون ملی ایران
انحلال مالکیت منحصر خصوصی	۱۳۴۸	خریداری تلویزیون خصوصی ایران
مالکیت منحصر دولتی	۱۳۵۰	تأسیس سازمان رادیو تلویزیون ملی ایران

صفحه / سال سی و سوم / شماره ۱ / پیاپی ۱۲۶

ب. رادیو و تلویزیون؛ پس از انقلاب اسلامی

وقوع انقلاب اسلامی ایران، به عنوان یک انقلاب فرهنگی، تأثیر شگرف و عمیقی بر سپهر فرهنگی این کشور گذاشت. این انقلاب، با محوریت یک اندیشمند مسلمان، توانست در بسیاری از عرصه‌های فرهنگی، به‌ویژه در عرصه‌های نرم‌افزاری و محتوایی تحول ایجاد کند. بر این اساس، در این بخش قصد داریم، میزان تأثیر انقلاب اسلامی را، بر ساختار نظام تلویزیون، به‌خصوص از حیث مالکیتی آن بررسی کنیم؛ آیا با تغییراتی در این عرصه مواجه هستیم؟ آیا مالکیت غیر منحصر شده است؟ در این راستا، تلاش شده که تاریخ نظام مالکیتی تلویزیون از بحبوحه ظهور انقلاب اسلامی تا زمان فعلی مورد کنکاش قرار گیرد؛ همچنین این مقطع، بر اساس نقاط عطف سیاستگذارانه و قانونی ترسیم شود. لذا در این بخش استناد به اسناد حقوقی و قانونی بیشتر صورت می‌گیرد.

۵۴

محمدصادق نصراللهی (۶۸-۴۳)
تاریخ تحلیلی مالکیت تلویزیون در ایران...

۱. از بحبوحه انقلاب اسلامی تا تصویب قانون اساسی

در آستانه تحقق انقلاب اسلامی تا زمان تصویب قانون اساسی - که در آن به طور صریح، ذیل اصل ۴۴ و ۱۷۵ درباره تلویزیون تصمیم‌گیری می‌شود - دورانی پرنوسان، مذبذب و سیال برای تلویزیون بوده است. از ۲۱ شهریور ۱۳۵۷ با استعفای رضا قطبی، مدیر عامل سازمان رادیو

تلویزیون ملی ایران، با پانزده سال سابقه، تا ۱۲ آذر ۱۳۵۸، این دوران پرفراز و نشیب آغاز شد؛ به طوری که در همین بازه زمانی محدود یکسال و سه ماه، چهار بار مدیرعامل سازمان تغییر می‌کند و سه بار کارکنان سازمان، تحت رهبری "شورای مؤسس اتحادیه کارکنان سازمان رادیو و تلویزیون ایران" اعتصاب می‌کنند (محسنیان‌راد و عباس‌زاده، ۱۳۶۹: ۵۴ - ۵۸).

۲. اصل ۴۴ قانون اساسی؛ تعیین‌کننده مالکیت تلویزیون در ایران

تصویب قانون اساسی راه، باید نقطه عطفی در تعیین نظام مالکیت تلویزیون در تاریخ این رسانه در ایران دانست. نقطه عطفی که تلاش داشت، بر اساس آرمان‌های ملت انقلابی و اصول اسلامی، چارچوب نوینی را از مالکیت تلویزیون مطرح کرده و به ماهیت استکباری و استبدادی پهلوی این رسانه و ماهیت مذبذب آن در یک سال و اندی پیش از انقلاب اسلامی پایان دهد. بر همین اساس در اصل ۴۴، نوع مالکیت تلویزیون تعیین شد و در ۱۲ آذر ۱۳۵۸ به تأیید ملت ایران رسید.

در این بخش، برآنیم جهت تحلیل مآووقع این رویداد تاریخی، با استناد به " صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران"، فرایندی از مذاکره‌ها و مباحثه‌ها را که منتهی به تصویب اصل مذکور شد، مورد تحلیل قرار دهیم.

اصل ۴۴، در جلسات ۵۵ (ساعت ۱۵:۰۵، روز هفتم آبان‌ماه ۱۳۵۸)، ۵۶ (ساعت ۱۰:۱۵، روز هشتم آبان‌ماه ۱۳۵۸) و ۵۷ (ساعت ۱۵:۲۰، روز نهم آبان‌ماه ۱۳۵۸) مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی، به ریاست سیدمحمد حسینی بهشتی به عنوان نایب رئیس، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. البته این اصل در جلسه ۵۵ در انتهای جلسه، تنها فرصت طرح اولیه را پیدا می‌کند و در جلسه ۵۶، به طور مفصل و کامل به آن پرداخته می‌شود و در نهایت با اشغال تقریباً دو سوم زمان جلسه ۵۷ به تصویب می‌رسد. صرف این میزان زمان برای یک اصل، که به‌ندرت اتفاق افتاده است، نشان از اهمیت و مورد مناقشه بودن آن دارد. شایان ذکر است، این اصل، در پیش‌نویس مذکور قانون اساسی موجود نبوده و در کمیسیون‌های مجلس خبرگان قانون اساسی مطرح شده و تحت شماره ۱۲۷/۴ به مجلس بررسی نهایی، پیشنهاد شد (صورت مشروح بررسی مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ۱۳۶۴: ۱۵۲۳؛ ورعی، ۱۳۸۵: ۳۲۶)

مباحث متعدد و متشتتی در مورد این اصل مطرح می‌شود، از جمله مباحثی راجع به چیستی نظام اقتصاد اسلامی، چیستی بخش تعاونی، لزوم مرزبندی با نظام اقتصادی سرمایه‌داری

و مارکسیسم، مالکیت یا فعالیت؟، دولتی بودن بخش کشاورزی، صنایع بزرگ یا مادر؟ تمایز بازرگانی از تجارت، هم‌پوشانی با اصول دیگر، چیستی خطوط ارتباطی و ... (صورت مشروح بررسی مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی ۱۳۶۴: ۱۵۲۳-۱۵۶۸). این مقاله بر آن نیست که تحلیلی جامع از مشروح مذاکرات این اصل را ارائه کند؛ چراکه خارج از موضوع و مسئله تحقیق است؛ تنها تلاش دارد که فلسفه و علت طرح چنین اصلی را توسط تدوین‌کنندگان، تشریح کرده و نشان دهد که بر اساس این فلسفه، دولتی بودن تلویزیون، طبق این اصل به چه معناست و سپس مباحثه‌های صورت گرفته در جلسه‌ها را، درباره تلویزیون تحلیل کند.

این اصل، پس از مباحثه‌های فراوان، درنهایت به این شکل به تصویب رسید:

نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است.

بخش دولتی، شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تامین نیرو، سدها و شبکه‌های آبرسانی، رادیو تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه آهن و مانند این‌ها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است.

بخش تعاونی، شامل شرکت‌ها و مؤسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل می‌شود.

بخش خصوصی، شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است.

مالکیت در این سه بخش، تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود، مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است. تفصیل ضوابط و قلمرو هر سه بخش را قانون معین می‌کند.

۳. فلسفه و علت تدوین اصل ۴۴

مکارم شیرازی، که از اصلی‌ترین طراحان این اصل است در تشریح علت تدوین این اصل می‌گوید:

فلسفه تنظیم اصل، این بود که اعلام شود که اقتصاد اسلامی، نه سرمایه‌داری غربی است و نه سوسیالیسم شرقی و نه تلفیقی از آن دو و سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی نیز به همین منظور معین شد (صورت مشروح بررسی مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ۱۳۶۴: ۱۵۴۵).

موسوی تبریزی اگرچه، از جهت کوچک شمردن بخش خصوصی در این اصل منتقد آن است، اما در توجیه لزوم چنین اصلی می‌گوید:

نظام اقتصادی اسلام را باید معین بکنیم، زیرا ما تمام نظام کاپیتالیستی و سوسیالیستی را زدیم چون این دو نظام غلط است، اما نظام اقتصادی اسلام را باید به ملت و دنیا عرضه بکنیم (همان: ۱۵۳۴ و ۱۵۳۵).

به نظر می‌رسد آنچه تدوین‌کنندگان را به تهیه چنین اصلی سوق داده است، لزوم تعیین هویت و چارچوب نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه در ایجاد تمایز بین آن و دو مکتب کلان فکری سرمایه‌داری- کاپیتالیسم و مارکسیسم- سوسیالیسم است. این رسالت هویت‌بخشی به اقتصاد اسلامی، آنچنان مورد تأکید است که برخی مانند حجتی کرمانی بارها پیشنهاد می‌دهد که در اصل، به‌صراحت از اقتصاد کاپیتالیستی و سوسیالیستی براثت جسته شود. وی می‌گوید:

من این‌طور پیشنهاد کردم که ما این اصل را در دو اصل خلاصه بنویسیم: ... اصل بعدی اینست: سرمایه‌داری و فئودالیزم در نظام اقتصاد جمهوری اسلامی محکوم است. این را به‌صراحت اعلام کنیم که این دو تا محکوم است (همان: ۱۵۴۸).

همچنین یکی از نقاط چالش برانگیز در جلسه، مسئله "مالکیت" است. مکاتب غربی، مالکیت خصوصی را اصل می‌دانند و مکاتب شرقی، مالکیت دولتی را مبنا قرار می‌دهند. این اصل بر آن است که با به رسمیت شناختن هر دو نوع مالکیت و افزودن مالکیت تعاونی، به عنوان شق سوم، نوعی مرزبندی با این دو مکتب داشته باشد. این مسئله، به‌ویژه با توجه به ماهیت سرمایه‌داری رژیم سابق، مورد حساسیت حاضران در جلسه است.

اشراقی، بحث مفصلی در این زمینه دارد و بر اساس فقه اسلامی، تأکید می‌کند که مالکیت شخصی در اسلام به رسمیت شناخته شده است. وی کلام خود را اینچنین پایان می‌بخشد:

مالکیت در اسلام هست و محدود نیست، ولی ظلم نیست و حدودش در کتب فقهیه موجود است (همان: ۱۵۳۹).

این سخنان وی، با بازخورد منفی برخی نمایندگان مواجه می‌شود. که نشان می‌دهد، بحث ماهیت مالکیت در اسلام و حدود و ثغور آن یک بحث چالشی بوده است.

یکی از دل‌نگرانی‌هایی که حاضران بارها مطرح می‌کنند، عدم بازگشت به نظام طبقاتی و سرمایه‌داری زمان پهلوی است؛ نظامی که شکاف جدی طبقاتی در آن رؤیت می‌شود. همین دل‌نگرانی است که سبب می‌شود، عده‌ای روی مالکیت دولتی، به عنوان یک حوزه قابل کنترل و اعتماد، در مواجهه با دو نوع مالکیت دیگر تأکید داشته باشند؛ برای مثال شهید هاشمی‌نژاد با همین مبنا، بر نظارت دولتی در بخش تعاونی تأکید دارد.

مباحثه‌ها و مذاکره‌های مربوط به رادیو و تلویزیون

۱. **ابهام مفهومی وسایل خطوط ارتباطی:** سبحانی، اولین کسی است که متعرض موضوع رادیو و تلویزیون می‌شود. وی این نکته مهم را گوشزد می‌کند که لفظ "وسایل خطوط ارتباطی"، که در متن پیشنهادی قرائت شده در ابتدای جلسه ۵۶ مطرح می‌شود، دچار ابهام

است و این سؤال را مطرح می‌کند که آیا منظور کشتیرانی و هواپیمایی است یا وسایل ارتباط جمعی؟ همین سؤال سبب می‌شود در مراحل بعدی، این موارد از یکدیگر تفکیک شوند.

رشیدیان در پاسخ به سؤال سبحانی، منظور از خطوط ارتباطی را "خطوط دریایی، هوایی، زمینی و وسایل ارتباط جمعی که منظور رادیو و تلویزیون است" می‌داند. در اثنای کلام او منتظری، وسایل ارتباطی تلگراف و تلفن را نیز می‌افزاید. دانش‌راد نیز، روی نکته رشیدیان تأکید می‌کند که ناظر به بسط مفهومی وسایل خطوط ارتباطی است (صورت مشروح بررسی مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی ۱۳۶۴: ۱۵۳۷).

۲. مالکیت یا فعالیت: پرورش در ادامه، یک اشکال اساسی کلی را مطرح می‌کند که به بخش

رادیو و تلویزیون نیز مربوط می‌شود. او می‌گوید:

در این اصل که مالکیت سه بخش دارد با اصل بعدی منافات دارد، [ناظر به اصل ۴۷ سخن می‌گوید]، برای اینکه ذکر شده بر پایه سه بخش است در حالی که یک بخش دیگری هم اضافه شده است. جواب دادند که مالکیت شخص همان مالکیت خصوصی است، یعنی اگر جواب می‌دهند که مالکیت شخص همان مالکیت خصوصی است، باید عرض کنم که ذکرش به عنوان یک اصل هیچ نیاز نیست و اگر آن نیست پس مالکیت در نظام اقتصادی بر پایه چهار بخش است (همان: ۱۵۳۸).

شهید بهشتی در جواب او بیان می‌دارد:

خیر، این اصطلاح نیست، البته اصطلاح خصوصی و شخصی دو اصطلاح است، اما آن بالا نوشته‌اند که نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه چند مالکیت است، آنها نوشته‌اند نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی و تعاونی و خصوصی است؛ یعنی بخش اقتصادی خصوصی، نه مالکیت خصوصی ... (همان).

تفکیک شهید بهشتی، بین فعالیت اقتصادی و مالکیت اقتصادی، اگرچه جالب و ظریف است، اما از این نکته غافل است که در اصل قرائت‌شده در جلسه ۵۶ - که این مباحثه پیرامون آن است - انتهای بند یک که بخش دولتی را احصاء می‌کند، تعبیر "به صورت مالکیت عمومی در دست دولت متمرکز است" آمده است که صراحت در مالکیت دارد و نه فعالیت صرف. نکته دیگر در مورد گفته شهید بهشتی، ابهام در مرز میان فعالیت و مالکیت است. البته مکارم شیرازی نیز، در دفاع خود از این اصل، به همین تفکیک بین فعالیت و مالکیت اشاره دارد.

۳. تمرکز یا عدم تمرکز: اشکال مهم دیگری که پرورش مطرح می‌کند و در متن نهایی نیز در

مقایسه با متن قرائت‌شده در ابتدای جلسه ۵۶ نمود دارد، این است که تعبیر "به صورت مالکیت عمومی در دست دولت متمرکز است" با اصل عدم تمرکز برای دولت که در

اصول پیشین تصویب شده بود، منافات دارد. همین اشکال بود که سبب شد در متن نهایی این تعبیر بیاید: «به صورت مالکیت عمومی در اختیار دولت است.»

۴. پیشنهاد خصوصی شدن رسانه‌های گروهی: در اثنای رأی‌گیری، بر اساس متن پیشنهادی

منتظری در جلسه ۵۶، گلزاده غفوری پیشنهاد مهمی را مطرح می‌کند که با جواب رد نایب رئیس، یعنی شهید بهشتی و نظر تکمیلی مکارم شیرازی مواجه می‌شود. وی می‌گوید: این مسئله رسانه‌های گروهی در نظام جدید را نباید در اختیار دولت بگذارید. اگر این مطلب را حذف کنید شاید یکی دو رأی اضافه بیاورد که ملت بتواند خودشان رادیو تلویزیون مستقل داشته باشند.

شهید بهشتی در جواب می‌گوید:

شما آقای دکتر کم‌توجهی نفرمایید، رادیو و تلویزیون که یک چیز ساده نیست، بنابراین وقتی می‌خواهند درستش کنند، این می‌شود مثل دستگاه‌های تبلیغاتی کشورهای سرمایه‌داری که فقط با پول آگهی‌ها و تبلیغات تجاری معرفی و اداره می‌شوند. حالا شما چه پیشنهادی دارید، مگر این کار میسر است؟

و مکارم شیرازی، تکمله می‌زند که:

آقا بین مدیریت و سرمایه‌گذاری فرق است، سرمایه‌گذاری را دولت می‌کند، اما مدیریتش ممکن است زیر نظر مجلس شورای ملی باشد. (صورت مشروح بررسی مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی ج. ۱، ۱۳۶۴:

۱۵۴۹-۱۵۵۰)

چند نکته در پاسخ شهید بهشتی و مکارم شیرازی نهفته است: نخست آنکه، مخالفت شهید بهشتی با عدم گنجاندن رسانه‌های گروهی، در بخش دولتی از جهت ملاحظه‌های سیاسی یا امنیتی نبوده است، بلکه بیشتر ماهیتی اقتصادی و اخلاقی دارد. شهید بهشتی نمی‌گوید، ممکن است گروه‌های منحرف از رادیو و تلویزیون استفاده ابزاری کنند، بلکه می‌گوید، با توجه به اینکه تأسیس رسانه‌های گروهی سرمایه زیادی می‌خواهد، سرمایه‌گذاران مجبورند به خاطر کسب سود، به شکلی افراطی، به تبلیغات رو بیاورند؛ که آثار سوء فرهنگی خود را دارد. مکارم شیرازی نیز، با تکمله خود نشان می‌دهد که در آن برهه، بحث مدیریت غیردولتی و تحت نظارت مجلس، به عنوان نهاد برآمده از ملت، یک پیشنهاد جدی بوده است.

تبدیل تعبیر "رسانه‌های گروهی" به "رادیو و تلویزیون"

در سومین جلسه بررسی اصل ۴۴ (جلسه ۵۷)، در کل پنج بار متن اصل قرائت می‌شود. یک بار توسط نایب رئیس، شهید بهشتی، که حاصل کار کارشناسی صبح همان روز در ابتدای جلسه قرائت می‌شود. این متن، که متفاوت از متن‌های روز گذشته است، مورد نقد و بررسی نمایندگان قرار می‌گیرد. پس از آن، منتظری متن خویش را، که مشابه متن روز گذشته است، در

مخالف با متن نایب‌رئیس قرائت می‌کند، که بازخوردهایی را بین نمایندگان دارد. در اواسط جلسه، جهت رأی‌گیری دستی، دوباره نایب‌رئیس متنی را که شبیه متن منتظری است، می‌خواند، که به دلیل بی‌نظمی جلسه و تشتت آراء، منتهی به رأی‌گیری نمی‌شود. بار چهارم جهت رأی‌گیری دستی، به صورت بند بند قرائت شده و رأی‌گیری می‌شود که مورد تأیید قرار می‌گیرد و در نهایت، برای بار پنجم، متن منقح‌شده، جهت رأی‌گیری کتبی قرائت می‌شود و مورد تأیید واقع می‌شود. نکته جالب توجه، آن است که آنچه از صورت مشروح مذاکرات بر می‌آید، در سه مرتبه اول، واژه " رسانه‌های گروهی " در متن به کار می‌رود؛ اما در مرتبه چهارم به شکلی کاملاً اتفاقی و در حالی که در طول جلسه، هیچ اظهار نظری پیرامون این بخش از متن نمی‌شود، نایب‌رئیس، لفظ رادیو و تلویزیون را، به جای رسانه‌های گروهی به کار می‌برد که در رأی‌گیری دستی تأیید شده و در مرتبه پنجم، در رأی‌گیری کتبی نیز تأیید می‌شود. لذا در متن نهایی لفظ رادیو و تلویزیون رؤیت می‌شود و نه رسانه‌های گروهی.

این در حالی است که این تغییر لفظ، در عمل و واقعیت بسیار پراهمیت، تأثیرگذار و قابل توجه است. همان‌طور که می‌دانیم، رسانه‌های گروهی کلیه وسایل ارتباط جمعی اعم از کتاب، نشریات، مطبوعات، سینما، رادیو و تلویزیون و ... را شامل می‌شود. به بیان دیگر، رابطه لفظ رسانه‌های گروهی و رادیو - تلویزیون عموم و خصوص مطلق است، رسانه‌های گروهی، اعم از رادیو و تلویزیون است. لذا با تعبیر رادیو و تلویزیون، در عمل رسانه‌های گروهی دیگر، از شمول دولتی بودن بند اول اصل ۴۴ خارج شده است. اهمیت مضاعف این خروج موضوعی به واقعیت نظام مالکیت رسانه‌های گروهی نیز بر می‌گردد. در آن زمان، تنها رادیو و تلویزیون است که مالکیت دولتی دارد و رسانه‌های دیگر همچون مطبوعات و کتاب از مزیت مالکیت خصوصی برخوردار است. تصویب این اصل، با تعبیر رسانه‌های گروهی، می‌توانست اثری گسترده و غیرقابل پیش‌بینی بر حوزه رسانه‌های گروهی بگذارد.

در یک جمع‌بندی کلی از اصل ۴۴، می‌توان گفت که آنچه از متن اصل ۴۴ و مشروح مذاکرات آن به دست می‌آید، آن است که فلسفه و علت تدوین و تصویب چنین اصلی، بیش از آنکه انحصارگرایی در مالکیت رادیو و تلویزیون باشد، نوعی هویت دادن به اقتصاد اسلامی، در مواجهه با مکاتب غرب و شرق بوده است. به بیان دیگر، این اصل تأکید دارد، مالکیت در اسلام، نه مطلقاً آزاد و خصوصی است و نه مطلقاً بسته و دولتی؛ بلکه حد وسطی بین این دو است. همچنین، اجتناب‌ورزی از نظام اقتصادی رژیم شاه، که فاسد و مبتنی بر روابط و

انحصاری - چه دولتی و چه خصوصی - بود، دغدغه اصلی نمایندگان از تصویب چنین اصلی بوده است. لذا مطمئن ترین مرجع، برای عدم بازگشت به نظام پیشین اقتصادی را دولت اسلامی دانسته‌اند. در عمل، تأثیری که درک معنای انحصار دولتی از این اصل - که تاحدودی با فلسفه تصویب آن ناسازگار بود - بر نظام اقتصادی ما داشت، ایجاد نوعی مالکیت انحصاری دولتی در عرصه‌های مذکور در بند یک بود. اما در سالیان اخیر، با ابلاغیه رهبری نسبت به این اصل، که مبتنی بر تفسیری متفاوت از این اصل و به فلسفه آن نزدیک‌تر است، شاهد نوعی آزادسازی و رهایی از انحصار در تأسیس و مالکیت هستیم. البته، هنوز این ابلاغیه شامل حوزه رادیو و تلویزیون نشده است که لحاظ کردن مصالح سیاسی و امنیتی در آن دخیل بوده است.

استفساریه از شورای نگهبان درباره اصل ۴۴

آیت‌الله یزدی، عضو شورای نگهبان، در تاریخ ۱۳۷۹/۴/۲ نظر تفسیری شورا را درباره اصل ۴۴ و ۱۷۵ جویا می‌شود، وی در این نامه، دو سؤال را مطرح می‌کند. اولین سؤال معطوف به مرجع تعیین ضوابط آزادی بیان و نشر افکار در سازمان صداوسیما است که با توجه به اینکه ناظر به محتوای پیام است، محل بحث این مقاله نیست. اما سؤال دوم که مورد بحث ما است، مربوط به امکان ایجاد و راه‌اندازی شبکه‌های خصوصی رادیویی و تلویزیونی بر اساس اصل ۴۴ قانون اساسی است. متن نامه بدین شرح است:

حضرت آیت‌الله... جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان

سلام‌علیکم

احتراماً، با توجه به اظهار نظر بعضی از اشخاص حقیقی و حقوقی پیرامون نحوه اداره صداوسیما و خصوصی‌سازی شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی و برداشت‌های مختلف از اصول ۱۷۵ و ۴۴ قانون اساسی و همچنین با عنایت به اینکه در جلسه‌ای که در محل شورای نگهبان در جریان مذاکرات اصل ۴۴ قانون اساسی به همراه دو تن از حقوقدانان این شورا با نمایندگان مجلس شورای اسلامی و نمایندگان دولت داشتیم در مورد امکان خصوصی‌سازی صداوسیما مطالبی عنوان نمودند، لذا مطابق ماده ۱۸ آئین‌نامه داخلی شورای نگهبان، درخواست می‌شود تفسیر آن شورای محترم را نسبت به موارد ذیل صریحاً اعلام فرمایند: الف - مطابق ذیل اصل ۱۷۵ قانون اساسی، خط‌مشی و ترتیب اداره نظارت بر سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران را قانون معین می‌کند. آیا عبارت «در صداوسیما جمهوری اسلامی ایران آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد»، نیز که در صدر این اصل ذکر شده، می‌تواند به‌وسیله قانون عادی تشریح و تعیین گردد؟ ب - آیا مطابق اصل ۴۴ قانون اساسی امکان ایجاد و راه‌اندازی شبکه‌های خصوصی رادیویی و تلویزیونی وجود دارد یا خیر؟

آیت‌الله جنتی، دبیر شورای نگهبان، در پاسخ به این سؤال به‌صراحت تشکیل شبکه‌های خصوصی رادیویی و تلویزیونی را، مغایر با اصل ۴۴ می‌داند. وی در این نامه می‌نویسد:

حضرت آیت‌ا... یزدی

عضو محترم فقهاء شورای نگهبان

عطف به نامه مورخ ۱۳۷۹/۴/۲ جنابعالی، مبنی بر اینکه آیا عبارت «در صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد» که در صدر اصل ۱۷۵ قانون اساسی آمده است، می‌تواند به‌وسیله قانون عادی تشریح و تعیین گردد؟ و همچنین آیا امکان ایجاد و راه‌اندازی شبکه‌های خصوصی رادیو و تلویزیون با توجه به اصل ۴۴ قانون اساسی وجود دارد یا خیر؟ موضوع با توجه به ماده ۱۸ آئین‌نامه داخلی در جلسه مورخ ۱۳۷۹/۷/۶ شورای نگهبان مطرح و نظریه تفسیری شورا در خصوص این دو اصل به شرح ذیل اعلام می‌گردد. الف - نظریه تفسیری در خصوص اصل ۱۷۵ قانون اساسی؛ مطابق اصل ۱۷۵ قانون اساسی در نظام جمهوری اسلامی ایران صداوسیما زیر نظر مستقیم مقام معظم رهبری می‌باشد. بنابراین سیاستگذاری، هدایت و تدابیر لازم در همه ابعاد خصوصاً در راستای تحقق آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور در همه شئون و مراتب که در صدر اصل مذکور به آن اشاره شده است از اختیارات اختصاصی آن مقام می‌باشد. ب - نظریه تفسیری در خصوص اصل ۴۴ قانون اساسی؛ مطابق نص صریح اصل ۴۴ قانون اساسی در نظام جمهوری اسلامی ایران رادیو و تلویزیون دولتی است و تأسیس و راه‌اندازی شبکه‌های خصوصی رادیویی و تلویزیونی به هر نحو، مغایر این اصل می‌باشد. بدین جهت انتشار و پخش برنامه‌های صوتی و تصویری از طریق سیستم‌های فنی قابل انتشار فراگیر (همانند ماهواره، فرستنده، فیبر نوری و غیره) برای مردم در قالب امواج رادیویی و کابلی غیر از سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران خلاف اصل مذکور است.» (مجموعه نظریات شورای نگهبان، ۱۳۸۱: ۲۷۹-۲۸۳)

درباره این پاسخ، نکات ذیل مطرح است:

۱. در این نامه آمده است که: «انتشار و پخش برنامه‌های صوتی و تصویری از طریق سیستم‌های فنی قابل انتشار فراگیر» است. بنابراین اولاً، تولید صرف پیام اشکالی ندارد؛ بلکه مسئله اصلی انتشار پیام است. به بیان دیگر، می‌توان سیستم‌های تولیدی صوت و تصویر خصوصی داشته باشیم. ثانیاً، مهم انتشار فراگیر است و نه هر انتشاری. اگرچه در لفظ، کمی ابهام وجود دارد، اما نگارنده، برداشتی که از لفظ فراگیر دارد، توده‌ای بودن مخاطب است. یعنی انتشار به حدی وسیع باشد، که مخاطب در مقیاس توده قابل تعریف

۱. البته باید توجه کرد که تعبیر انتشار فراگیر، تعبیری مبهم و مجمل است. آیا منظور از آن انتشار در جغرافیای فراگیر است؟ یا انتشار نسبت به مخاطب فراگیر؟ البته انتشار فراگیر را به هر معنایی در نظر بگیریم، اینترنت یک رسانه با انتشار فراگیر است.

باشد. خالی از فایده نیست که گفته شود مخاطب توده، مخاطب ناشناس، ناهمگون، وسیع و گسترده است.

۲. در این پاسخ، رادیو و تلویزیون مدخلیت ندارد. بلکه "انتشار فراگیر صوت و تصویر" یا به بیان دیگر "انتشار توده‌ای پیام دیداری و شنیداری" مهم است. حال این انتشار فراگیر با هر وسیله‌ای انجام گیرد، ممانعت به عمل می‌آید. بنابراین، نه تنها تأسیس رادیو و تلویزیون در انحصار سازمان صداوسیما است، بلکه هر گونه "انتشار فراگیر صوت و تصویر از هر طریق و مجرای" در انحصار سازمان است. این تعبیر، دائره اختیار و انحصار سازمان صداوسیما را بسیار گسترده‌تر می‌کند، برای مثال، در اینترنت، انتشار فراگیر صوت و تصویر امری رایج است، لذا با استناد به این نظر تفسیری صداوسیما می‌توان از این انتشار جلوگیری کرد.

به نظر می‌رسد که این تفسیر شورای نگهبان، اجازه فراخی از حیث انحصارگرایی به سازمان صداوسیما داده است و همواره اصلی‌ترین مستمسک این سازمان، جهت ممانعت از تأسیس هر گونه "انتشار فراگیر صوت و تصویر" همین استفساریه بوده است. لذا بایستی این استفساریه را، یکی از نقاط عطف تاریخی و حقوقی در تحقق و تحکیم انحصارگرایی در رادیو و تلویزیون دانست.

ابلاغ سیاست‌های اصل ۴۴ توسط مقام معظم رهبری

رهبری انقلاب در خرداد ۱۳۸۴؛ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را ابلاغ کرده و از آنجا که ایشان در شماره ۲، بند الف موارد تجویز خصوصی شدن را احصاء می‌کنند، نامی از رادیو و تلویزیون دیده نمی‌شود این در حالی است که مجوز اصل خصوصی‌سازی تمام موارد- البته با وجود استثناهای ذیل آن‌ها- که در اصل ۴۴ به عنوان بخش دولتی ذکر شده، در این ابلاغیه داده شده است. این بند به این شرح است:

۱. سرمایه‌گذاری، مالکیت و مدیریت در زمینه‌های مذکور در صدر اصل ۴۴ قانون اساسی به شرح ذیل توسط بنگاه‌ها و نهادهای عمومی غیردولتی و بخش‌های تعاونی و خصوصی مجاز است:

۱-۱. صنایع بزرگ، صنایع مادر (از جمله صنایع بزرگ پایین‌دستی نفت و گاز) و معادن بزرگ (به استثنای نفت و گاز)؛

۲-۱. فعالیت بازرگانی خارجی در چارچوب سیاست‌های تجاری و ارزی کشور؛

- ۳-۱. بانکداری توسط بنگاه‌ها و نهادهای عمومی غیردولتی و شرکت‌های تعاونی سهامی عام و شرکت‌های سهامی عام مشروط به تعیین سقف سهام هر یک از سهامداران با تصویب قانون؛
- ۴-۱. بیمه؛
۵. تأمین نیرو، شامل تولید و واردات برق برای مصارف داخلی و صادرات؛
- ۶-۱. کلیه امور پست و مخابرات به استثنای شبکه‌های مادر مخابراتی، امور واگذاری فرکانس و شبکه‌های اصلی تجزیه و مبادلات و مدیریت توزیع خدمات پایه پستی؛
- ۷-۱. راه و راه‌آهن؛
- ۸-۱. هواپیمایی (حمل و نقل هوایی) و کشتیرانی (حمل و نقل دریایی)؛
- ۹-۱. ایجاد و بهره برداری سدهای بزرگ و شبکه‌های بزرگ آبرسانی با حفظ کلیه حقوق حقا به بران^۱».

اینکه آیا سیاست‌های ابلاغی رهبری، مؤید منع خصوصی شدن است یا برعکس تمهید خصوصی شدن، سؤالی مهم و در عین حال سخت و پیچیده است. آنچه از ظاهر ابلاغیه برداشت می‌شود، استثنا شدن رادیو و تلویزیون از موارد تجویز خصوصی شدن است و به نوعی، می‌توان گفت که نظر رهبری، منع خصوصی سازی رادیو و تلویزیون است. اما، در اینجا یک نکته ظریف حقوقی وجود دارد و آن اینکه با ابلاغیه رهبری، در عمل منع خصوصی شدن از موضوعی حقوقی، به موضوعی سیاسی تغییر ماهیت داده است. توضیح بیشتر آنکه، همان‌طور که پیش از این گفته شد، تا الان استناد حقوقی امتناع رادیو و تلویزیون خصوصی، اصل ۴۴ قانون اساسی و مؤید آن، یعنی نظر تفسیری شورای نگهبان بود. این در حالی است که با این ابلاغیه رهبری از اصل ۴۴، تفاوت نگاه رهبری با شورای نگهبان، در خوانش از اصل ۴۴ عیان و آشکار شد، به طوری که می‌توان گفت، امکان خصوصی شدن مصادیق مُصرَح در اصل ۴۴، طبق قرائت رهبری، وجود دارد و ذکر نکردن نام رادیو و تلویزیون از باب استثناء است و نه قاعده حقوقی. این بدان معناست که ابلاغیه رهبری، در واقع نظر تفسیری شورای نگهبان را نسخ ضمنی کرده است. اینکه چرا رهبری رادیو و تلویزیون را استثناء کرده‌اند، موضوعی است که تنها می‌توان حدس‌هایی درباره آن زد. در این بین، آنچه به طور ظنی مطرح می‌شود، رعایت مصالح سیاسی و امنیتی از سوی رهبری است که می‌تواند با تمهیداتی مرتفع شود.

با توجه به این توضیح‌ها، می‌توان این گونه برداشت کرد که این ابلاغیه، گامی جدی و ظرفیتی هرچند بالقوه در، مسیر خصوصی سازی و انحصارزدایی از تلویزیون است و موانع قانونی و حقوقی، همچون استفساریه شورای نگهبان را از سر راه بر می‌دارد و تنها منوط به یک تشخیص مصلحت و فرمان سیاستی است.

۱. جزء (۹-۲) بند الف در سال ۱۳۸۷ ابلاغ شد.

جمع‌بندی: میراث تاریخی انحصارگرایی تلویزیون در ایران

این مقاله، درصدد پاسخ به سه مسئله بود. مسئله نخست و کلی، ناظر کیفیت سیر تاریخی نظام مالکیت تلویزیون در ایران بود. مسئله دوم و میانی، بررسی وجود یا عدم وجود انحصار در مالکیت تلویزیون در ایران را مورد بحث قرار داد و مسئله سوم و جزئی، چگونگی و میزان تأثیر انقلاب اسلامی بر انحصارزدایی از مالکیت تلویزیون بود.

در مورد مسئله اول، می‌توان گفت، سیر تاریخی نظام مالکیت و مدیریت رادیو و تلویزیون، از حیث ماهیت، سیری یکنواخت و پیوسته است و همواره ممزوج با انحصار بوده است. در مورد مسئله دوم، بنابر آنچه که در جای جای این مقاله، به عنوان جمع‌بندی‌ها و نتیجه‌گیری‌ها بیان شد، می‌توان گفت تاریخچه رادیو و تلویزیون نشان می‌دهد، نظام مالکیت تلویزیون همواره از "انحصارگرایی"، چه پیش از انقلاب و چه پس از انقلاب، برخوردار بوده است. این مقاله، ضمن آنکه بنای ارزش‌گذاری بر مزیت بودن یا آسیب بودن انحصار در این حوزه را ندارد، بر این باور است که خط تاریخی انحصار مالکیتی در تلویزیون ایران خطی ممتد است. نکته مهم دیگر در این رابطه، غلبه داشتن انحصار دولتی در بیشتر مواقع است. تنها یک بار تلویزیون خصوصی، در ایران تجربه شده است که بر می‌گردد به افتتاح اولین فرستنده تلویزیونی توسط ثابت پاسال، در سال ۱۳۳۷ که گرچه در قالب بخش خصوصی بود، در حقیقت اختصاصی و انحصاری به حساب می‌آمد. معافیت‌های مالیاتی، برای تنها عرضه‌کننده خدمات تلویزیونی، خود شاهد دیگری بر یکه‌تازی ثابت پاسال در عرصه اقتصادی تلویزیون بود. در یک دوره ۱۱ساله، انحصار خصوصی (۱۳۳۷ تا ۱۳۴۸) تجربه می‌شود و پس از آن، با تأسیس سازمان تلویزیون ملی، در سال ۱۳۴۸ و به طریق اولی تصویب قانون تشکیل سازمان رادیو تلویزیون ملی، در سال ۱۳۵۰، تا پیروزی انقلاب اسلامی، دوره‌ای انحصاری با ماهیتی به طور کامل دولتی تحقق می‌یابد. در قانون مذکور، به‌صراحت تأسیس فرستنده رادیویی و تلویزیونی در انحصار سازمان رادیو تلویزیون ملی قرار می‌گیرد که ماهیتی کاملاً دولتی دارد.

پس از انقلاب نیز، رویکرد انحصار در مالکیت تلویزیون، با تصویب اصل ۴۴ که در آن مالکیت رادیو و تلویزیون را عمومی و در اختیار دولت قرار می‌دهد، تداوم می‌یابد. همین امر، سبب می‌شود که تا به امروز تأسیس رادیو و تلویزیون خصوصی در ایران تحقق نیابد. البته باید گوشزد کرد که فلسفه حاکم بر اصل ۴۴ که نوعی هویت‌یابی در مقابل مکاتب اقتصادی غرب و شرق و اجتناب از نظام فاسد اقتصادی رژیم پهلوی بوده است، این ظرفیت بالقوه را در

خصوصی سازی تلویزیون دارد. کما اینکه در ابلاغ سیاست‌های اصل ۴۴، توسط رهبری در سال‌های اخیر، تمام موارد مذکور در بند یک، مجوز خصوصی شدن را گرفته‌اند. اما به نظر می‌رسد سایه مصالح سیاسی و امنیتی بر رادیو و تلویزیون، به دلیل جایگاه ویژه آن در هدایت افکار عمومی، سنگینی می‌کند.

در مورد مسئله سوم، اگرچه این مقاله نمی‌تواند نظر قاطعی ارائه کند، اما شواهد قابل توجهی از میزان تأثیر انقلاب اسلامی بر میراث تاریخی انحصار مالکیتی تلویزیون در ایران، یا برعکس میزان تأثیر انقلاب اسلامی از آن وجود دارد:

۱. اگرچه ثمره واقعی اصل ۴۴، تا سالیان اخیر، با توجه به تفسیری که از آن به عمل آمده بود، دولتی سازی مراکز اقتصادی بزرگ از جمله تلویزیون بود و تا به امروز، مالکیت انحصاری دولت را بر آن شاهد هستیم، اما با استناد به مشروح مذاکرات تدوین این اصل در خبرگان قانون اساسی، می‌توان گفت که اتفاقاً انگیزه نمایندگان، زدودن انحصار مالکیتی از این مراکز بوده است. همان‌طور که "پرورش" در جلسه‌های بررسی اصل تصریح، به پذیرش اصل عدم انحصار توسط نظام اسلامی اشاره می‌کند و همچنین، با توجه به تأکید شهید بهشتی و مکارم شیرازی، بر موضوعیت فعالیت، به جای مالکیت در این اصل و با در نظر گرفتن تغییر لفظ "در تمرکز دولت" به "در اختیار دولت" در جلسه‌ها و نیز با تأکید نمایندگان، بر مبارزه با نظام انحصار اقتصادی رژیم پهلوی و هویت‌یابی در برابر مکاتب غرب و شرق، می‌توان گفت که اتفاقاً غرض اساسی این اصل، ممانعت از انحصار بوده است. لذا در سال‌های اخیر، مقام معظم رهبری در ابلاغیه خویش نسبت به این اصل همین معنا را لحاظ کرده است. بنابراین، در تدوین این اصل اتفاقاً، لزوم اتخاذ نوعی مرزبندی بین نظام انحصاری رژیم سابق و نظام جدید اقتصادی اسلامی وجود داشته است.

۲. قانون اساسی نام‌سازمان و استفساریه شورای نگهبان را، باید قدم‌های جدی و تثبیت‌کننده انحصارگرایی در مالکیت رادیو و تلویزیون دانست.

۳. نهایت آنکه، ابلاغیه سیاست‌های اصل ۴۴، توسط رهبری را، باید تحولی جدی دانست که نظام مالکیت تلویزیون را در ایران دست‌خوش تغییر می‌کند.

۴. در یک جمع‌بندی کلی از نسبت میان انقلاب اسلامی و "پدیده انحصار در مالکیت" تلویزیون می‌توان ادعا کرد، تلاش انقلاب اسلامی جهت فعال‌سازی نیروهای مردمی، یا

به عبارتی مردمی سازی مبتنی بر عدالت و منویات اسلامی بوده است و تصور می شده که دولت اسلامی تضمین کننده آن است. به بیان دیگر می بایستی که دولت، سیاستگذاری، مدیریت، نظارت و حمایت مردمی سازی را انجام داده است؛ اما در عمل تا به امروز، به ویژه در عرصه تلویزیون این مهم تحقق نیافته است.

منابع

- افراسیابی، بهرام. ۱۳۶۸. تاریخ جامع بهائیت (نوماسونی). تهران: انتشارات سخن.
- الموتی، مصطفی. ۱۳۷۲. ایران در عصر پهلوی، روز شمار تاریخ و وقایع مهم. جلد ۱۵. لندن: بی نا.
- الموتی، مصطفی. ۱۳۷۰. ایران در عصر پهلوی، جنگ قدرت در ایران. جلد ۱۱. لندن: بی نا.
- الموتی، مصطفی. ۱۳۶۸. ایران در عصر پهلوی، بحران نفت و ترورهای سیاسی و مذهبی. جلد ۵. لندن: بی نا.
- الموتی، مصطفی. ۱۳۶۷. ایران در عصر پهلوی، بازیگران سیاسی؛ از بدو مشروطیت تا سال ۱۳۵۷. جلد ۳. لندن: بی نا.
- اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی. ۱۳۶۴. صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. جلد ۱ و ۳. تهران: چاپخانه مجلس شورای اسلامی.
- بیرو، آلن. ۱۳۶۷. فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی. تهران: انتشارات کیهان.
- بی نا. ۱۳۸۱. مجموعه نظریات شورای نگهبان، تفسیری و مشورتی در خصوص اصول قانون اساسی به انضمام استفساریه ها و تذکرات ۱۳۸۰-۱۳۵۹. تهران: مرکز تحقیقات شورای نگهبان.
- توانایان فرد، حسن. ۱۳۸۵. فرهنگ تشریحی اقتصاد. تهران: نشر الکترونیک و اطلاع رسانی جهان رایانه.
- دانکن، آندرو. ۱۳۵۸. غارت ایران، یورش به سوی پول. ترجمه فضل الله نیک آیین. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- دلد، اسکندر. ۱۳۸۰. من و فرح پهلوی. جلد ۳. تهران: نشر به آفرین.
- رواسانی، شاپور بی تا. دولت و حکومت در ایران. تهران: نشر شمع.
- سازگار، ژیللا. ۱۳۵۶. کارنامه ای از رادیو و تلویزیون ایران تا پایان سال ۲۵۳۵. تهران: سروش.
- صفایی، ابراهیم. ۱۳۵۱. نخست وزیران. جلد یک. تهران: انتشارات انجمن تاریخ.
- فرهنگ، منوچهر. ۱۳۶۹. فرهنگ علوم اقتصادی. تهران: نشر نو.
- قره باغیان، مرتضی. ۱۳۷۲. فرهنگ اقتصاد و بازرگانی. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- گولد، جولوس، کولب، ویلیام ل. ۱۳۸۴. فرهنگ علوم اجتماعی. به کوشش محمدجواد زاهدی، تهران: انتشارات مازیار.
- مجلس شورای ملی ۱۳۳۷. مجموعه قوانین و مصوبات دوره نوزدهم قانونگذاری مجلس شورای ملی، جلد اول.

مجلس شورای ملی ۱۳۴۶. مجموعه قوانین و مصوبات دوره ۲۱ قانونگذاری مجلس شورای ملی.
مجلس شورای ملی ۱۳۵۰. مجموعه قوانین و مصوبات دوره ۲۲ قانونگذاری مجلس شورای ملی.
محسنیان‌راد، مهدی و هوشنگ عباس‌زاده. ۱۳۶۹. "تلویزیون در آستانه انقلاب". فصلنامه رسانه. سال اول. شماره
۲: ۵۴ - ۶۵.

ورعی، سیدجواد. ۱۳۸۵. مبانی و مستندات قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به روایت قانون‌گذار. تهران:
دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری.

سیاست‌ها و قوانین:

قانون اساسنامه سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۲/۷/۲۷.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۵۸/۹/۱۲.

سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، ۱۳۸۴/۳/۱.

Archive of SID